بی‌فرزندی طول عمر و همبسته‌های اجتماعی و اقتصادی آن در بین زنانِ ساکنِ استان‌های با باروری خیلی پایین در ایران

سراج الدین محمودیانی[1]*

۱. دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نشریه پایش
سال نوزدهم، شماره پنجم، مهر ـ آبان ۱۳۹۹ صص ۵۴۸- ۵۴۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۴/۲۸
[نشر الکترونیک پیش از انتشار- ۲۴ شهریور ۹۹]

چکیده

مقدمه: بی‌فرزندی در وضعیت باروری پایین می‌تواند به مثابه مسأله‌ای جمعیتی نگریسته شود. در مطالعه حاضر تلاش شد شیوع بی-فرزندی طول عمر یا دائمی در بین زنان ساکنِ استان‌های گیلان، مازندران و تهران به‌عنوان استان‌های با سطوح باروری خیلی پایین بررسی شود.

مواد و روش کار: برای تحقق هدف فوق از داده‌های خام دو درصد سرشماری ۱۳۹۵ استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از جدول فراوانی، آزمون کای اسکوئر و تحلیل رگرسیون لجستیک در محیط نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۴/۴ درصد از زنان مورد مطالعه بی‌فرزند طول عمر هستند. تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که سطح تحصیلی به‌عنوان مشخصه‌ای فردی و نیز نحوه تصرف محل سکونت خانوار و مساحت زیربنای واحد مسکونی به‌عنوان مشخصه‌های خانواری و سکونتی اثر آماری معنادار بر احتمال بی‌فرزندی دارند.

نتیجه گیری: شیوع بی‌فرزندی طول عمر در جمعیت مورد مطالعه در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. انتظار نمی‌رود که بی‌فرزندی طول عمر یا دائمی در آینده نگران کننده باشد. برنامه‌ریزی در راستای بهبود وضعیت مسکن خانوارها، از نقطه نظر هم قیمت و هم کیفیت، به خصوص در میان خانوارهای جوان، می‌تواند مانع از افزایش نسبت بی‌فرزندی در آینده شود.

کلیدواژه: بی‌فرزندی طول عمر، باروری خیلی پایین، تحصیلات، محل سکونت خانوار

* نویسنده پاسخگو: دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
E-mail: serajmahmoudiani@gmail.com

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.16807626.1399.19.5.2.8]
[DOI: 10.29252/payesh.19.5.541]

مقدمه

فرزندآوری پایین و با تأخیر از ویژگی‌های جمعیتی جهان توسعه یافته بود که امروزه در دیگر کشورها نیز مشاهده می‌شود. بحث گذار دوم جمعیت‌شناختی هم تغییرات فوق و هم تعیین‌کننده‌های آن را شامل می‌شود. باروری زیر سطح جایگزینی و افزایش سن در اولین تولد از نتایج تغییرات فوق است. تغییرات اجتماعی در وضعیت اشتغال و تحصیلات زنان به‌عنوان پیش‌ران‌های باروری پایین، بی‌فرزندی ارادی و غیرارادی نگریسته شده است [۱]. بی‌فرزندی یک واقعیت مغفول است که با مطالعات اقتصادی فعلی درباب باروری قابل توضیح نیست [۲]. محققان، زنان بی‌فرزند ارادی را به‌عنوان زنانی تعریف کرده‌اند که در سن فرزندآوری قرار دارند اما قصد ندارند فرزندی داشته باشند. زنانی که بی‌فرزند ارادی یا داوطلبانه هستند در تقابل با زنانی قرار می‌گیرند که در حال حاضر فرزندی ندارند اما در آینده فرزندآوری را تجربه خواهند کرد و به‌عنوان بی‌فرزند موقت تعریف می‌شوند. کسانی که می‌خواهند یا خواسته‌اند که فرزندی داشته باشند اما به دلیل مشکلات باروری قادر به داشتن فرزند نبوده‌اند را تحت عنوان بی‌فرزند غیرارادی تعریف کرده‌اند [۳]. مطالعات نشان داده است که افزایش مشکلات اقتصادی و نگرانی در مورد تأمین آینده فرزندان از مهمترین دلایل عدم تمایل به فرزندآوری گزارش شده است [۴]. دغدغه‌های اقتصادی به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر عدم فرزندآوری در مطالعات دیگر نیز تأیید شده است [۵]. اشتغال و تحصیلات زنان از تعیین کننده‌های مهم باروری در مرکز استان گیلان به‌عنوان استانی با پایین‌ترین سطح باروری در کشور است [۶]. براساس شواهد تجربی، در زمینه‌هایی دیگر تحصیلات از عوامل تأثیرگذار بر فرزندآوری [۷] و بی‌فرزندی [۸، ۹] به‌شمار آمده است. مطالعه‌ای در کانادا به این نتیجه رسیده است که میزان بی‌فرزندی برای زنان با سطوح عالی تحصیلی، زنان ساکن در شهرهای بزرگ و در نهایت زنانی که در بازار کار اشتغال داشته‌اند، بالاتر بوده است [۱۰]. افزایش نسبت زنان با تحصیلات دانشگاهی در ایالات متحده نیز بخش قابل توجهی از افزایش بی‌فرزندی را تبیین نموده است [۱۱]. نتایج یک پیمایش در ۲۰ کشور اروپایی از آن حکایت دارد که سن و تحصیلات با بی‌فرزندی همبستگی دارند [۱۲]. براساس یک مطالعه، زنان دانشگاهی بالاترین نسبت بی‌فرزندی را در استرالیا به خود اختصاص داده بودند [۱۳]. در روسیه نیز بی‌فرزندی در بین زنان با تحصیلات بالا و زنان ۴۰ تا ۴۹ ساله شایع‌تر بوده است [۱۴]. تغییر جهت سیاست‌های جمعیتی در سال‌های اخیر و اجرای برنامه‌هایی در جهت تشویق باروری می‌تواند اهمیت بررسی پدیده بی‌فرزندی را از جنبه عمومی و حاکمیتی در ایران خاطر نشان سازد [۱۵]. بی‌فرزندی در سال‌های پایان باروری، شاخص اساسی نرخ بی‌فرزندی است. این شاخص که بیانگر درصد زنانی است که تا سال‌های آخر دوره تولیدمثل‌شان، نتوانسته یا نخواسته‌اند که فرزندی به‌دنیا آورند، بی‌فرزندی دائمی یا بی‌فرزندی طول عمر نامیده شده است. حتی اشاره شده است که بی‌فرزندی در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ ساله برآورد دقیق‌تری از نرخ بی‌فرزندی در مقایسه با گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ ساله به دست خواهد داد [۱۶]. روند کاهش باروری در ایران این دغدغه را ایجاد کرده است که سطح فرزندآوری فعلی در کشور حتی به سطوح پایین‌تر نیز برسد. با توجه به آن‌که باروری کمتر از سطح جانشینی است، نگرانی درباب آینده باروری می‌تواند بر دو موضوع دلالت نماید. پدیده تک فرزندی و بی‌فرزندی در آینده را شاید بتوان از نگرانی‌های حال حاضر مسئولان ذی‌ربط در حوزه جمعیت دانست. روند کاهش باروری و تجربه باروری خیلی پایین در برخی استان‌های کشور در شکل‌دهی نگرانی‌ها و دغدغه‌های فعلی بی‌تأثیر نبوده است. نتایج مطالعات تجربی و نیز آمارهای سرشماری‌های کشور از آن حکایت دارد که استان‌های گیلان، مازندران و تهران پایین‌ترین سطح فرزندآوری یا میزان باروری کل را در کشور به خود اختصاص داده‌اند. در سال‌های منتهی به ۱۳۹۰ میزان باروری کل برای استان گیلان برابر با ۱/۳ و برای مازندران و تهران نیز برابر با ۱/۴ فرزند به ازای هر زن گزارش شده است [۱۷]. در سال ۱۳۹۵ و برپایه گزارش مرکز آمار ایران [۱۸] میزان باروری کل در سه استان مذکور به‌ترتیب ۱/۳۸، ۱/۵۱ و ۱/۵۶ فرزند گزارش شده است که همچنان پایین‌ترین سطح باروری کشور را به خود اختصاص داده‌اند. از آنجایی که باروری کمتر از ۱/۵ فرزند به ازای هر زن را باروری خیلی پایین معرفی می‌کنند [۱۹] بنابراین استان‌های فوق را می‌توان استان‌های با باروری خیلی پایین یا در مرز باروری خیلی پایین در کشور دانست. هر چند در مطالعات پیشین [۲۰] نیز بر تأثیر برخی از ویژگی‌های خانوار بر رفتار باروری زنان ایرانی توجه و تأکید شده است اما ویژگی‌های سکونتی آن‌ها مد نظر نبوده است. تأکید بر ویژگی‌های محل سکونت خانوارِ زنان مورد مطالعه به‌عنوان بُعد تازه‌ای در مطالعات بی‌فرزندی در ایران که در مطالعات پیشین کمتر دیده شده است می‌تواند وجه تمایز این مطالعه از دیگر مطالعات پیشین باشد. به‌طورکلی اگرچه مرگ و میر در اغلب

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.16807626.1399.19.5.2.8]
[DOI: 10.29252/payesh.19.5.541]

کشورهای دنیا در نتیجه پیشرفت‌های بهداشتی و پزشکی کاهش پیدا کرد و این اتفاق در ادامه به باروری پایین انجامید و می‌توان کاهش نرخ رشد جمعیت و باروری را از پیامدهای توسعه به‌شمار آورد اما امروزه در بیشتر کشورهای دنیا از جمله ایران، کاهش نرخ باروری گرایش به بی‌فرزندی را به یک مسئله جمعیّتی بدل کرده است و حتی به‌عنوان تهدیدی برای نگهداشت جمعیت فعلی در آینده نگریسته می‌شود. ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت و ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های مرتبط با جمعیت به همراه تأکید بر افزایش باروری به سطح جانشینی از سال ۱۳۹۳ بیانگر اهمیت بررسی موضوع بی‌فرزندی و مسأله‌مند بودن آن از نگاه سیاستگذران است. با توجه به آنچه گفته شد در مطالعه پیش‌رو تلاش شده است که بی‌فرزندی طول عمر و همبسته‌های اجتماعی و اقتصادی آن با تأکید بر مشخصه‌های فردی و سکونتی در بین زنان دارای همسر ۴۰ تا ۴۹ سالهٔ ساکن سه استان گیلان، مازندران و تهران بررسی شود.

مواد و روش کار

مطالعه حاضر تحقیقی کمی مبتنی بر تحلیل داده‌های ثانویه است. برای این منظور داده‌های خام دو درصد سرشماری سال ۱۳۹۵ [۲۱] که در دو فایل جداگانه فردی و خانواری بر درگاه ملی آمار به‌طور آزاد در اختیار محققان قرار می‌گیرد و براساس کد خانواری قابل اتصال به یکدیگر هستند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از اتصال فایل فردی و خانواری، داده‌های مذکور برای استان‌های گیلان، مازندران و تهران گزینش شد. در گام بعدی با گزینش زنان دارای همسر ۱۵ تا ۴۹ ساله داده‌های لازم برای تحلیل آماده شد. لازم به ذکر است که داده‌های گمشده از تحلیل کنار گذاشته شد. متغیرهای مستقل فردی شامل سن، محل سکونت، وضعیت مهاجرتی، وضعیت تحصیلی، وضعیت اشتغال و وضعیت فعلی تحصیل است. مشخصه‌های سکونتی خانوار زنان نیز که بخشی دیگر از متغیرهای مستقل تحقیق حاضر هستند متغیرهای نوع محل سکونت خانوار، نحوه تصرف محل سکونت خانوار، تعداد خانوار ساکن در مکان و در نهایت مساحت زیربنای واحد مسکونی خانوار را در شامل شده است. متغیر وابسته نیز تجربه به‌دنیا آوردن فرزند زنده است یعنی دارای دو حالت، دارای فرزند و بی‌فرزند است. همان‌طوری که در مقدمه آمد برای بررسی بی‌فرزندی به‌طورکلی دو گروه سنی آخر یعنی ۴۰ تا ۴۴ یا ۴۵ تا ۴۹ سال مورد تأکید است که در مطالعه حاضر هر دو گروه مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. شایان ذکر است که هم از سویی داده‌های سرشماری امکان تفکیک بین بی‌فرزندی طول عمر ارادی و غیرارادی را نمی‌دهد و سویی دیگر در مطالعه حاضر چنین هدفی دنبال نشده است. بی‌فرزندی فارغ از ارادی و غیرارادی بودن آن‌ها بر سطح باروری تأثیر خواهند گذاشت و از نظر جمعیت‌شناختی تفکیک آن دو ضرورت ندارد. اما بعد از شناسایی سطح و دلایل بی‌فرزندی در مراحل بعدی و به منظور کاهش تأثیر آن‌ها بر باروری، تفکیک دو نوع بی‌فرزندی مذکور می‌تواند حایز اهمیت باشد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ بهره برده شد. برای بررسی روابط دو متغیری و چند متغیری به‌ترتیب از آزمون کای اسکوئر یا همان مجذور خی دو و تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

یافته‌ها

تعداد ۲۲۶۷۴ زن دارای همسر ۴۰ تا ۴۹ ساله در استان‌های گیلان، مازندران و تهران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که ۴/۴ درصد از زنان ۴۰ تا ۴۹ ساله مورد بررسی در زمان سرشماری هیچ فرزندی نداشته‌اند یعنی می‌توان آن‌ها را بی‌فرزند طول عمر یا بی‌فرزند دائم به شمار آورد. حدود ۵۲ درصد از زنان مورد بررسی ۴۰ تا ۴۴ سال داشته‌اند و حدود ۴۸ درصد نیز ۴۵ تا ۴۹ ساله بوده‌اند. بیش از ۸۳ درصد زنان مورد بررسی شهرنشین و حدود ۱۷ درصد نیز ساکن روستا بوده‌اند. حدود ۴ درصد زنان مورد مطالعه در استان‌های گیلان، مازندران و تهران مهاجر و سایر همتایان آن‌ها بومی استان‌های فوق‌الذکر بوده‌اند. حدود ۸ درصد زنان بی‌سواد، ۲۳ درصد تحصیلات ابتدایی، حدود ۱۹ درصد تحصیلات راهنمایی، حدود ۳۲ درصد تحصیلات متوسطه و در نهایت بیش از ۱۸ درصد از زنان مورد بررسی تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. حدود ۲ درصد نمونه در زمان سرشماری در حال تحصیل یا محصل بوده‌اند. حدود ۱۲ درصد از زنان مورد نظر شاغل و سایر همتایان آن‌ها غیرشاغل بوده‌اند. بخش دیگری از متغیرهای مورد نظر در تحقیق حاضر با مشخصه‌های سکونتی خانوار زنان مرتبط است. حدود ۶۲ درصد زنان مورد مطالعه ساکن واحدی مسکونی از نوع آپارتمان و سایر آن‌ها در دیگر انواع واحدهای مسکونی، سکونت داشته‌اند. حدود ۶۴ درصد نمونه به خانوارهایی تعلق داشته‌اند که در واحد مسکونی شخصی خود ساکن بوده و حدود ۳۰ درصد آن‌ها نیز در منازل رهنی/استیجاری ساکن بوده‌اند. حدود ۹۹ درصد زنان در منازلی ساکن بوده‌اند که صرفاً

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.16807626.1399.19.5.2.8]
[DOI: 10.29252/payesh.19.5.541]

خانوار آن‌ها در آنجا سکونت داشته‌اند و فقط ۱ درصد نمونه ساکن واحدهایی مسکونی با بیش از ۱ خانوار بوده‌اند. مساحت زیربنای واحد مسکونی نیز دیگر متغیر مستقل مرتبط با مشخصه‌های سکونتی خانوار زنان مورد مطالعه است که اطلاعات آن در جدول ۱ گزارش شده است. حدود ۲۰ درصد زنان در واحدهای مسکونی با متراژ کمتر از ۶۴ مترمربع سکونت داشته‌اند و در مقابل حدود ۱۴ درصد آن‌ها ساکن واحدهایی مسکونی با مساحت بیش از ۱۲۰ متر مربع بوده‌اند.

جدول ۲ بیانگر رابطه دو متغیری وضعیت بی‌فرزندی زنان و مشخصه‌های فردی و سکونتی آن‌ها است. یافته‌ها نشان داد که نسبت بی‌فرزندی دائمی برای زنان ۴۰ تا ۴۴ ساله بالاتر از زنان ۴۵ تا ۴۹ ساله است. آماری معنادار شده است. نسبت بی‌فرزندی در بین زنان با تحصیلات دانشگاهی بالاتر از زنان با سایر سطوح تحصیلی است. نسبت بی‌فرزندی زنان بی‌سواد نیز به شکلی دور از انتظار برابر با نسبت بی‌فرزندی برای زنان با تحصیلات دانشگاهی به‌دست آمده است. رابطه مذکور نیز از نظر آماری معنادار به‌دست آمده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که نسبت بی‌فرزندی به‌طور معناداری در بین زنان مهاجر و زنان شاغل بیشتر از زنان غیرمهاجر و زنان غیرشاغل است. اگرچه در جدول فراوانی، نسبت (درصد) زنان مهاجر و غیرمهاجر ذکر شده است و این امر نگرانی درباب پایین بودن تعداد نمونه برحسب متغیر وضعیت مهاجرتی را مرتفع می‌کند اما در تحلیل و نتیجه‌گیری درخصوص بی‌فرزندی برحسب متغیر وضعیت مهاجرت باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

متغیرهای محل سکونت و وضعیت فعلی تحصیل با وضعیت بی‌فرزندی رابطه معنادار ندارند. در بین متغیرهای مرتبط با مشخصه‌های سکونتی زنان نیز دو متغیر نحوه تصرف محل سکونت خانوار و مساحت زیربنای واحد مسکونی دارای رابطه معنادار با متغیر وضعیت بی‌فرزندی بوده‌اند. کمترین نسبت بی‌فرزندی برحسب نحوه تصرف محل سکونت خانوار به زنانی تعلق دارد که ساکن واحدهای مسکونی شخصی بوده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که با افزایش مساحت زیربنای واحد مسکونی در تصرف خانوار، نسبت بی‌فرزندی زنان آن خانوارها کاهش یافته است.

برای بررسی روابط چند متغیری و پیش بینی بی‌فرزندی طول عمر از رگرسیون لجستیک دو وجهی استفاده شده است. سطح تحصیلی، نوع محل سکونت خانوار و نیز مساحت زیربنای واحد مسکونی متغیرهایی هستند که ارتباط معنادار با احتمال بی‌فرزندی در میان زنان مورد مطالعه دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که احتمال بی‌فرزندی برای زنان با تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، متوسطه/دیپلم کمتر از احتمال آن در میان زنان با تحصیلات دانشگاهی است. به‌علاوه، تحلیل رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که احتمال بی‌فرزندی برای زنانی که ساکن واحد مسکونی شخصی هستند کمتر از احتمال بی‌فرزندی در میان زنانی است که در انواع دیگر واحدهای مسکونی (غیر از شخصی و رهن/ استیجاری) سکونت دارند. با افزایش مساحت زیربنای واحد مسکونی در تصرف خانوار نیز احتمال بی‌فرزندی زنان کاهش خواهد یافت.

جدول ۱: توزیع زنان مورد مطالعه برحسب مشخصه‌های فردی و سکونتی آن‌ها

		فراوانی	درصد
وضعیت بی‌فرزندی	بی‌فرزند	۹۸۹	۴/۴
	دارای فرزند	۲۱۶۸۵	۹۵/۶
گروه‌های سنی (سال)	۴۰-۴۴	۱۱۷۶۶	۵۱/۹
	۴۵-۴۹	۱۰۹۰۸	۴۸/۱
محل سکونت	شهر	۱۸۹۱۳	۸۳/۴
	روستا	۳۷۶۱	۱۶/۶
وضعیت مهاجرتی	مهاجر	۹۴۹	۴/۲
	غیر مهاجر	۲۱۷۲۵	۹۵/۸
وضعیت تحصیلی	بی‌سواد	۱۸۳۹	۸/۱
	ابتدایی	۵۲۲۷	۲۳/۱
	راهنمایی	۴۲۲۰	۱۸/۶
	متوسطه/ دیپلم/ پیش دانشگاهی	۷۱۸۴	۳۱/۷
	دانشگاهی	۴۲۰۴	۱۸/۵
وضعیت فعلی تحصیل	محصل	۴۲۶	۱/۹
	غیر محصل	۲۲۲۴۸	۹۸/۱
وضعیت اشتغال	شاغل	۲۶۶۵	۱۱/۸

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.16807626.1399.19.5.2.8]
[DOI: 10.29252/payesh.19.5.541]

	غیر شاغل	۲۰۰۰۹	۸۸/۲
نوع محل سکونت خانوار	آپارتمان	۱۴۰۹۴	۶۲/۲
	غیر آپارتمان	۸۵۸۰	۳۷/۸
	شخصی	۱۴۴۲۵	۶۳/۶
نحوه تصرف محل سکونت خانوار	رهن/استیجاری	۶۸۷۵	۳۰/۳
	سایر	۱۳۷۴	۶/۱
تعداد خانوار ساکن در مکان	یک خانوار	۲۲۴۳۲	۹۸/۹
	دو خانوار و بیشتر	۲۴۲	۱/۱
مساحت زیربنای واحد مسکونی (مترمربع)	۶۴ و کمتر	۴۵۸۲	۲۰/۲
	۶۵ تا ۹۰	۹۰۳۰	۳۹/۸
	۹۱ تا ۱۲۰	۵۸۲۶	۲۵/۷
	بالاتر از ۱۲۰	۳۲۳۶	۱۴/۳

جدول ۲: توزیع وضعیت بی‌فرزندی طول عمر زنان برحسب مشخصه‌های جمعیت شناختی

		بی‌فرزند		تعداد نمونه
		بله	خیر	
سن (٪)	۴۰ تا ۴۴ سال	۴/۸	۹۵/۲	۱۱۷۶۶
χ^2 =۹/۶۷۱*	۴۵ تا ۴۹ سال	۳/۹	۹۶/۱	۱۰۹۰۸
	بی‌سواد	۶/۱	۹۳/۹	۱۸۳۹
	ابتدایی	۳/۹	۹۶/۱	۵۲۲۷
وضعیت تحصیلی (٪)	راهنمایی	۳/۵	۹۶/۵	۴۲۲۰
χ^2 = ۵۸/۸۵۷*	متوسطه/دیپلم/ پیش دانشگاهی	۳/۸	۹۶/۲	۷۱۸۴
	دانشگاهی	۶/۱	۹۳/۹	۴۲۰۴
وضعیت مهاجرتی (٪)	غیرمهاجر	۴/۳	۹۵/۷	۲۱۷۲۵
χ^2 =۶/۴۲۱*	مهاجر	۶/۰	۹۴/۰	۹۴۹
وضعیت اشتغال (٪)	شاغل	۵/۵	۹۴/۵	۲۶۶۵
χ^2 =۹/۶۴۳*	غیرشاغل	۴/۲	۹۵/۸	۲۰۰۰۹
محل سکونت (٪)	شهر	۴/۳	۹۵/۷	۱۸۹۱۳
χ^2 =۰/۹۱۷	روستا	۴/۷	۹۵/۳	۳۷۶۱
وضعیت فعلی تحصیل (٪)	محصل	۴/۷	۹۵/۳	۴۲۶
χ^2 =۰/۱۱۵	غیرمحصل	۴/۴	۹۵/۶	۲۲۲۴۸
نوع محل سکونت خانوار (٪)	آپارتمان	۴/۳	۹۵/۷	۱۴۰۹۴
χ^2 =۰/۲۷۰	غیرآپارتمان	۴/۵	۹۵/۵	۸۵۸۰
	شخصی	۳/۹	۹۶/۱	۱۴۴۲۵
نحوه تصرف محل سکونت خانوار (٪)	رهن/ استیجاری	۵/۱	۹۴/۹	۶۸۷۵
χ^2 =۲۳/۷۲۰*	سایر	۵/۶	۹۴/۴	۱۳۷۴
تعداد خانوار ساکن در مکان	یک خانوار	۴/۴	۹۵/۶	۲۲۴۳۲
χ^2 =۰/۵۹۸	دو خانوار و بیشتر	۵/۴	۹۴/۶	۲۴۲
	۶۴ و کمتر	۶/۱	۹۳/۹	۴۵۸۲
مساحت زیربنای محل سکونت (متر مربع)	۶۵ تا ۹۰	۴/۴	۹۵/۶	۹۰۳۰
χ^2 =۵۰/۱۸۶*	۹۱ تا ۱۲۰	۳/۷	۹۶/۳	۵۸۲۶
	بالاتر از ۱۲۰	۳/۱	۹۶/۹	۳۲۳۶

جدول ۳: احتمال بی‌فرزندی طول عمر در بین زنان با استفاده از رگرسیون لُجستیک

		ضریب بتا	معناداری	نسبت بخت‌ها
سن		-۰/۰۲۳	۰/۰۵۲	۰/۹۷۸
	بی‌سواد	-۰/۲۰۹	۰/۱۱۹	۰/۸۱۱
	ابتدایی	-۰/۶۳۸	۰/۰۰۰	۰/۵۲۸
وضعیت تحصیلی	راهنمایی	-۰/۷۱۶	۰/۰۰۰	۰/۴۸۹
	متوسطه/دیپلم/ پیش دانشگاهی	-۰/۵۸۰	۰/۰۰۰	۰/۵۶۰
	دانشگاهی(مرجع)	-		-
	مهاجر	۰/۲۴۸	۰/۰۸۲	۱/۲۸۱
وضعیت مهاجرتی	غیرمهاجر(مرجع)	-	-	-

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.16807626.1399.19.5.2.8]
[DOI: 10.29252/payesh.19.5.541]

وضعیت اشتغال	غیرشاغل	-۰/۰۷۶	۰/۴۴۸	۰/۹۲۶
	شاغل(مرجع)	-	-	-
محل سکونت	روستا	۰/۱۶۴	۰/۰۹۹	۱/۱۷۸
	شهر(مرجع)	-	-	-
وضعیت فعلی تحصیل	غیر محصل	۰/۱۹۳	۰/۴۱۵	۱/۲۱۳
	محصل (مرجع)	-	-	-
نوع محل سکونت خانوار	غیرآپارتمانی	۰/۱۱۷	۰/۱۴۳	۱/۱۲۴
	آپارتمان(مرجع)	-	-	-
نحوه تصرف محل سکونت خانوار	شخصی	-۰/۳۴۹	۰/۰۰۶	۰/۷۰۵
	رهن/ استیجاری	-۰/۰۷۱	۰/۵۸۸	۰/۹۳۲
	سایر	-	-	-
تعداد خانوار ساکن در مکان		۰/۰۷۷	۰/۶۵۳	۱/۰۸۰
مساحت زیربنای واحد مسکونی		-۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۹۹۵

بحث و نتیجه‌گیری

کاهش باروری از مهمترین موضوعات جمعیتی حال حاضر کشور است. رسیدن باروری به زیر سطح جانشینی به‌نوعی دال بر گرایش به فرزندآوری پایین و کم فرزندخواهی در جامعه است. در چنین شرایطی مطالعه بی‌فرزندی و تک فرزندی می‌تواند اهمیت مضاعفی به خود گیرد. بی‌فرزندی که به دو شکل ارادی یا دواطلبانه و غیرارادای یا غیرداوطلبانه قابل طرح است در وضعیت باروری خیلی پایین می‌تواند کانون بحث و تحقیق قرار گیرد. بی‌فرزندی طول عمر یا دائمی به شکلی از بی‌فرزندی گفته می‌شود که داشتن فرزند برای زن دیگر احتمالی بعید و نزدیک به صفر در نظر گرفته می‌شود. برای مطالعه بی‌فرزندی طول عمر معمولاً بر زنان گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ یا گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ تأکید می‌شود یعنی زنانی که در پایان دوره حیات باروری خود قرار دارند. در مطالعه حاضر تلاش شد که بی‌فرزندی طول عمر از طریق در نظر گرفتن هر دو احتمال و هر دو گروه سنی در معرض بی‌فرزندی بررسی شود. نمونه آماری شامل زنان دارای همسر ۴۰ تا ۴۹ بود که در استان‌های گیلان، مازندران یا تهران ساکن بودند. سه استان مذکور در تمام ادوار گذشته پایین‌ترین سطح باروری را به خود اختصاص داده و تقریباً در تمام مقاطع اخیر نیز هر سه استان مذکور باروری کمتر از ۱/۵ فرزند به ازای هر زن یعنی باروری خیلی پایین را تجربه نموده‌اند. برای این منظور با استفاده از داده‌های خام دو درصد سرشماری ۱۳۹۵ و اتصال فایل‌های فردی و خانواری تلاش شد که به تحلیل و تبیینی از احتمال بی‌فرزندی طول عمر در نمونه مورد نظر پرداخته شود. یافته‌ها نشان داد که حدود ۴ درصد از زنان مورد مطالعه بی‌فرزند طول عمر بودند یعنی تا پایان دوره تولیدمثل صاحب فرزندی نشده و نخواهند شد. روابط دو متغیری بیانگر وجود رابطه معنادار عمدهٔ متغیرهای مستقل و وضعیت بی‌فرزندی در میان زنان بود. در تحلیل چند متغیری که با استفاده از تحلیل رگسیون لجتسک انجام شد نتیجه گرفته شد که تحصیلات به‌عنوان مشخصه‌ای فردی و همچنین متغیرهای نحوه تصرف محل سکونت خانوار و مساحت زیربنای واحد مسکونی خانوار به‌عنوان مشخصه‌هایی مرتبط با وضعیت سکونتی-خانواری زنان، دارای رابطه آماری معنادار با احتمال بی‌فرزندی زنان بودند. تأثیر معنادار سطح تحصیلی بر احتمال بی‌فرزندی در مطالعات پیشین [۱۴-۶] نشان داده شده است. بالاتر بودن نسبت بی‌فرزندی در گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله‌ها نیز در مطالعات دیگری [۱۴] به دست آمده است. برخلاف مطالعات پیشین [۱۰، ۶] در مطالعه حاضر اشتغال با احتمال بی‌فرزندی رابطه معنادار نداشت. سکونت در شهر نیز بر خلاف نتایج دیگر مطالعات [۱۰] فاقد رابطه معنادار با احتمال فرزندآوری بود. در مجموع یافته‌ها بیانگر نسبت پایین بی‌فرزندی طول عمر در بین زنان مورد مطالعه بود. گسترش تحصیلات عالی و تداوم روند افزایشی آن در بین زنان شاید نسبت بی‌فرزندی طول عمر را در آینده به مقدار کمی افزایش دهد اما انتظار نمی‌رود که افزایش نسبت بی‌فرزندی طول عمر شتاب نگران‌کننده‌ای به خود بگیرد زیرا تغییرات اجتماعی پس از شتاب اولیه در سال‌های اخیر روند بسیار آرامی را طی نموده است. از آنجایی که بخشی از نسبت بی‌فرزندی فعلی احتمالاً از نوع غیرارادی یا غیرداوطلبانه است بنابراین شناسایی زنان بی‌فرزند غیرارادی و تلاش در جهت درمان ناباروری آن‌ها بی‌تردید می‌تواند نسبت فعلی بی‌فرزندی را نیز کاهش دهد. تأثیر معنادار ویژگی‌های سکونتی خانوار بر وضعیت بی‌فرزندی می‌تواند برنامه‌ریزی‌ها را به سمت خود جلب نماید. برنامه‌ریزی در راستای بهبود وضعیت مسکن خانوارها، تدوین و اجرای برنامه‌هایی

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.16807626.1399.19.5.2.8]
[DOI: 10.29252/payesh.19.5.541]

به منظور ساخت و ارائـه واحـدهای مسـکونی مناسـب، هـم از نظـر قیمـت و هـم از لحـاظ کیفیـت، بـه خصـوص در میـان زوجـین و خانوارهای جوان می‌تواند مانع از افزایش نسبت بی‌فرزندی و حتی کاهش رقم فعلی بی‌فرزندی در آینده شود.

سهم نویسندگان

سراج الدین محمودیانی: نویسنده مقاله

منابع

1. Kneale D, Joshi H. Postponement and childlessness: evidence from two British cohorts. Demographic Research 2008; 19: 1935-1968

2. Baudin T, Croix D, Gobbi PE. Fertility and childlessness in United States. American Economic Review 2015; 105:1852-1882

3. Kelly M. Women's voluntary childlessness: a radical rejection of motherhood. Women's Studies Quarterly 2009; 37:157-172

4. Haerimehrizi, A, Tavousi M, Sadighi J, Motlagh MS, Eslami M, Nghizadeh F, Montazri A. Reasons for fertility desire disinterest among Iranian married adults: A population-based study. Payesh 2017; 5: 637-645 [Persian]

5. Razavizadeh N, Ghafarian A, Akhlaqi A. The contexts of low and late fertility in Mashhad. Strategy for Culture 2015; 31: 73-98 [Persian]

6. Kanani MA, Bakhshi S. Spread of individualization and the problem of childbearing reduction: a study in the city of Rasht. Journal of Population Association of Iran 2015; 9: 1-25 [Persian]

7. Abbasi-Shavzi MJ, Khani S. Economic Insecurity and Fertility: Case Study of Married Women in Sanandaj District. Journal of Population Association of Iran 2014; 9: 37-76 [Persian]

8. Lundquist JH, Budig MJ, Curtis A, Teachman J. Race and childlessness in America 1988-2002. Journal of Marriage and Family 2009; 71: 741-755

9. Boddington B, Didham R. Increase in childlessness in New Zealand. Population Research 2009; 26: 131-151

10. Grindstaff CF, Balakrishnan TR, Ebanks GE. Socio-demographic of correlates of childlessness: an analysis of the 1971 Canadian census. The Canadian Journal of Sociology 1981; 6: 337-351

11. Hayford SR. Marriage (still) matters: the contribution of demographic change to trends in childlessness in the United States. Demography 2013; 50: 1641-1661

12. Merz EM, Liefbroer AC. The attitude towards voluntary childlessness in Europe: cultural and institutional explanations. Marriage and Family 2012; 74: 587-600

13. Miranti R, McNamara J, Tanton R, Yap M. A narrowing gap? Trends in the childlessness of professional women in Australia 1986-2006. Population Research 2009; 26: 359-379

14. Biryukova SS, Tyndik AO. Prevalence and determinants of childlessness in Russia and Moscow. Genus 2015; 71: 1-22

15. Hamidifar M, Kanani MA, Abdollahi-Chanzanaq H. Voluntary childless' sight on childbearing: A study in Rasht. Cultural Sociology 2017; 8: 27-54 [Persian]

16. Abbasi-Shavazi MJ. Population trends and situation in the Islamic Republic of Iran. 2st Edition, National Population Studies & Comprehensive Management Institute: Tehran, 2017 [Persian]

17. Abbasi-Shavazi MJ, Hosseini-Chavoshi M. Fertility evolution in Iran during recent four decades. 1st Edition, The Statistical Centre of Iran: Tehran, 2012 [Persian]

18. The Statistical Centre of Iran. Total fertility rate during 2012-2016. The Statistical Centre of Iran: Tehran, 2016. https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1396/1_barvari.pdf

19. McDonald P. Very low fertility: consequences, causes and policy approaches. The Japanese Journal of Population 2008; 6: 19-23

20. Goli Y, Mahmoudiani S, Delangizan S. The Impact of Household Socio-Economic Characteristics on Women's Fertility in Iran. Journal of Population Association of Iran 2016; 10: 188-211 [Persian]

21. The Statistical Centre of Iran. The census micro-data of population and housing in 2016. The Statistical Centre of Iran: Tehran, 2016. https://www.amar.org.ir/

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.16807626.1399.19.5.2.8]
[DOI: 10.29252/payesh.19.5.541]

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.16807626.1399.19.5.2.8]

[DOI: 10.29252/payesh.19.5.541]

ABSTRACT

Lifetime Childlessness and Its Socioeconomic Correlates among the Married Women Living in Provinces with Very Low Fertility Rates in Iran

Serajeddin Mahmoudiani[1*]

1. Faculty of Economics, Management and Social Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran

Payesh 2020; 19 (5): 541 – 548
Accepted for publication: 28 July 2020
[EPub a head of print-14 September 2020]

Objective (s): Childlessness in low fertility rate situation can be considered as a demographic problem. This study was attempted to investigate the permanent or lifetime childlessness among married women aged 40-49 living in Gilan, Mazandaran and Tehran provinces as provinces with very low fertility rates.
Methods: The data were derived from the 2016 census micro-data. Data analysis was performed in SPSS 20 using frequency tables, Chi-square test and logistic regression analysis.
Results: The results showed that 4.4% of the women were permanent childless. Logistic regression analysis indicated that educational level as an individual characteristic as well as the type of home ownership and living area as the residential and household characteristics had a statistically significant effect on the odds of being childless.
Conclusion: The prevalence of lifetime childlessness was relatively low in population studied. Planning to improve the housing situation of households, especially among young households, might prevent the increase of the proportion of childlessness in the future.

Key words: Lifetime Childlessness, Very Low Fertility, Educational Level, The Place of Household Residence

[*] Corresponding author: Faculty of Economics, Management and Social Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran
E-mail: serajmahmoudiani@gmail.com